



سرمقاله



ورود به عصر جدید

استضعاف کشاندن دیگر کشورها قلمداد می‌کنند. اما عده‌ای نیز این فرآیند را یک فرآیند تکاملی و نتیجه‌ی گریزناپذیر پیشرفت فناوری می‌دانند. صرف‌نظر از این اظهار نظرها در این فضای جدید از یک سو شاهد رشد اعجاب‌انگیز اقتصاد کشورهای نظیر چین، هند، برزیل و بسیاری از دیگر کشورهایی که در گذشته‌ی نه چندان دور سهم بسیار ناچیزی در اقتصاد جهانی داشتند هستیم و از سوی دیگر با تغییر تاکتیک و به عبارت بهتر عقب نشینی تاکتیکی قدرت‌های پیر اقتصادی در زمینه‌های مختلف مواجهیم. تا جایی که برای مثال همزمان با رشد فزاینده‌ی صنعت خودرو در کشورهایی همچون ژاپن، کره و چین، شرکت‌های خودروسازی انگلیس که روزی از کشورهای عمده‌ی صاحب صنعت خودرو در دنیا به شمار می‌رفت به دیگر شرکت‌ها واگذار شده‌اند یا به کلی تعطیل گردیده‌اند. بنابراین می‌توان به جای مقابله با روندی که در عصر حاضر بر اقتصاد جهان حاکم شده و بدبینی نسبت به آن، به فکر استفاده از فرصت‌های پیش آمده نیز باشیم و تلاش نماییم که ما هم در آرایش جدید جهانی به عنوان یک قدرت اقتصادی حرفی برای گفتن داشته باشیم. آن چه در حال وقوع است تحول عجیبی نیست و ایجاد تغییرات عمده در نظام جهانی سیاست و اقتصاد موضوعی نیست که نسل بشر با آن نا آشنا باشد. تاکنون جهان بارها شاهد تغییر قطب‌های قدرت بوده است. روزگاری کشورهایی چون پرتغال و

تحولات عظیم فناورانه‌ی جهان، طی چند دهه‌ی اخیر به ویژه در حوزه‌ی فناوری اطلاعات موجب شده که امروز ایده‌ی جهانی‌سازی و جهانی‌شدن نه یک انتخاب که به یک واقعیت گریزناپذیر مبدل گردد. اگرچه سال‌هاست که مرزهای سیاسی کشورها بر روی نقشه دستخوش هیچ تغییری نشده‌اند و کنوانسیون‌های سیاسی بین‌المللی با جدیت پیگیر حقوق کشورها در این خصوص هستند، ولی در پس پرده، نبرد چندجانبه‌ی سنگینی با هدف در نوردیدن مرزهای اقتصادی کشورها در حال وقوع است، که طرف‌های این جنگ را نه دولت‌ها بلکه شرکت‌های فراملی تشکیل می‌دهند. تاجایی که در حال حاضر مفهوم مرز در فرهنگ اقتصادی جهان تبدیل به مفهومی سیال شده و مدام در حال تغییر است. امروز دولت‌ها چه بخواهند و چه نخواهند نمی‌توانند و نباید نقش شرکت‌های بزرگ فراملی را در عرصه‌ی روابط اقتصادی و حتی سیاسی کشورها نادیده بگیرند. زیرا این بنگاه‌های عظیم اقتصادی هستند که اصلی‌ترین نقش را در آوردگاه اقتصاد جهانی بر عهده دارند، نقشی که نه براساس باورها و اعتقادات ملی و فرهنگی، که بر اساس اصل سودآوری بیشتر اجرا می‌شود.

عده‌ای از تحلیلگران سیاسی و اقتصادی و بسیاری از مردم دنیا به ویژه در کشورهای ضعیف، جهانی‌سازی را به یک توطئه‌ی بزرگ بین‌المللی تعبیر می‌کنند و آن را بازی جدیدی از سوی قدرت‌های بزرگ اقتصادی برای به

کنند، و در صورت نبود زیرساخت‌های پشتیبان تولید، این منابع ارزشمند دچار استهلاک شده و در مدت زمانی نه چندان طولانی بازدهی خود را از دست خواهند داد. هم‌اکنون محیط پیرامون صنعت ما که متأثر از عوامل مختلف داخلی و خارجی است به گونه‌ای رقم خورده که قیمت تمام شده‌ی تولیدات صنعتی در کشور ما نسبت به کشورهای رقیب بسیار بالاتر است و قدرت رقابت را حتی در تسخیر بازارهای داخلی نیز از ما سلب نموده است.

اقتصاد دولتی، روند نامناسب خصوصی‌سازی، بهره‌ی بانکی بسیار بالاتر از متوسط جهانی، درصد بالای بیمه، واردات بی‌قاعده، قوانین نه چندان منطقی حاکم بر عملیات گمرکی، قانون کار که با پیش فرض‌های قابل بحث تنظیم شده، تقویم کاری نامناسب که ما را به یکی از پرتعطلی‌ترین کشورهای دنیا بدل کرده و فرهنگ بین‌التعطیلین که در کشور ما مرسوم شده، هزینه‌های حمل و نقل بالا، تورم سنگین که منجر به افزایش مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌ها می‌شود، نوسانات غیر قابل پیش‌بینی دستمزدها، قاچاق بسیاری از محصولات و مسایلی از این دست، عواملی هستند که بر قیمت تمام شده‌ی تولید در کشور اثر داشته و نیاز به اصلاحات اساسی دارند. بدیهی است در شرایط فعلی تلاش در جهت کاهش هزینه‌های تولید از طریق اصلاح سخت‌افزارهای تولیدی و بهره‌گیری از ابزارها و فناوری‌های پیشرفته همچون اتوماسیون صنعتی هرچند در جای خود ضروری است، اما کافی نیست و تنها پس از اصلاح امور زیربنایی است که شرایط مقتضی برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور تزریق به بخش صنعت فراهم خواهد شد و خصوصی‌سازی به شکل سالم و منطقی آن و نه براساس رانت محقق خواهد گردید.

وحید تیموری

اسپانیا بر اقتصاد بخش تعیین‌کننده‌ی جهان حکومت می‌کردند، روز بعد ابتکار عمل به دست روسیه و انگلیس افتاد و مدتی است که آمریکا در این عرصه پیشتازی می‌کند و به نظر می‌رسد که باز هم به دوران گذار رسیده‌ایم و جهان، خود را برای آرایشی جدید آماده می‌کند.

با درک این شرایط و با اعتقاد بر این باور که هیچ تغییری به ذاته خوب یا بد مطلق نیست و در هر وضعیت جدیدی می‌توان با شناخت منطق حاکم بر آن و براساس تفکر، فرصت‌های جدیدی را ایجاد کرد و حتی تهدیدها را به فرصت تبدیل نمود، می‌توانیم با برنامه‌ریزی و عملکرد هوشمندانه به آینده‌ای روشن امیدوار باشیم و تلاش کنیم تا جایگاه بهتری را نسبت به امروز در عرصه‌ی تعاملات جهانی کسب نماییم.

بدیهی است موفقیت در فضای جدید، نیازمند برخورداری از درکی صحیح نسبت به شرایط جاری و تابعی است از متغیرهای درهم تنیده‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که باید به تمامی این متغیرها به صورت همزمان و به شکلی متعادل پرداخته شود.

در بعد اقتصادی افزایش تولید ناخالص ملی و تولید محصولات و خدمات باکیفیت و برخورداری از قیمت رقابتی یکی از اصلی‌ترین عوامل حصول موفقیت در عرصه‌ی جهانی است. از این منظر حمایت از تولید و صنعت امری حیاتی و غیرقابل چشم‌پوشی است. در حال حاضر شرایط حاکم بر صنعت کشور ما به گونه‌ای است که موفقیت آن را در عرصه‌ی بین‌الملل با چالش‌هایی مواجه ساخته است. نیاز به گفتن نیست که اگرچه منابع طبیعی، نقدینگی و منابع انسانی که به لطف خدا در کشور ما به وفور یافت می‌شوند برای تولید، عواملی ضروری هستند، اما به خودی خود نمی‌توانند شرایط مناسب را برای رشد مستمر صنعت فراهم